

پورمحمدی گفته: تحلیل چرایی قتل‌های زنجیره‌ای این بود که ضدانقلاب دارد به اصلاح‌طلب‌ها می‌چسبد و ناچاریم حوادث سال ۶۰ را دوباره تجربه کنیم.

از سعید امامی در این پرونده به‌عنوان مشاور استفاده شد؛



به گزارش اسپادانا خبر، مصطفی پورمحمدی، وزیر سابق دادگستری و وزیر اسبق کشور در گفت‌وگو با مجله «مثلث» درباره نقش سعید امامی در قتل‌های زنجیره‌ای سخن گفته است. وی باور دارد سعید امامی در قتل‌های دهه ۷۰، نقش عاملیت نداشت و حداکثر می‌توان او را مشاور پروژه دانست که چنین خوانشی مخالف روایت رایج، یعنی نقش تعیین‌کننده امامی در آن رویداد است.

پورمحمدی درباره جایگاه وزارت اطلاعات در جمهوری اسلامی گفت: «وزارت اطلاعات از نیروهای اصیل، پای کار انقلاب، بانگیزه و هوشمند تشکیل شده است. الان نمی‌خواهم بگویم وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی آن‌طور نیست، من دارم آن دوره را تصویر می‌کنم که جزء قوی‌ترین سرویس‌های اطلاعاتی جهان بود و این مورد قبول سرویس‌های قوی بود که ما را جزء قوی‌ترین‌ها به حساب آوردند.»

اهم اظهارات وی در این گفت‌وگو را خواهید خواند:

\* آمریکا در آن تاریخی که من آنجا بودم، اعلام کرد جزء چهار کشوری که بیشترین نفوذ و جاسوسی را در داخل آمریکا انجام داده است، به‌خصوص جاسوسی علمی، یکی جمهوری اسلامی است.

\* من نمی‌خواهم از خودم بگویم و نمی‌خواهم اعتراف کنم که چه کارهایی کرده‌ایم یا نکرده‌ایم، دارم حرف طرف و دشمن را می‌گویم؛ بزرگترین ضربه‌ای که به شبکه جاسوسی آمریکا تا آن تاریخ در دنیا زده شده بود و تعداد جاسوس دستگیرشده از سوی وزارت اطلاعات.

\* یک وزارت توانمند مقتدر در مقابله با دشمنان، زمین‌گیر کردن شبکه‌های جاسوسی، شبکه‌های برانداز، شبکه‌های تفرقه‌افکن و نفاق‌افکن و گروه‌های تروریستی و هنجارشکن که اوجش هم اول انقلاب بوده است. وزارت اطلاعات چنین وضعیتی داشته است؛ اولاً وزارت اطلاعات سال ۶۳ تشکیل شده و این نکته تاریخی مهمی است.

\* قبل از آن سه جا اطلاعات بوده؛ اطلاعات امنیتی که بیشتر در سپاه بود، ضدجاسوسی و اطلاعات جاسوسی بیشتر در نخست‌وزیری و یک سری اطلاعات امنیتی که در کمیته و دادستانی بود؛ یعنی کمیته با دادستانی هر کدام بخش‌های اطلاعاتی داشتند و مکمل بخش سپاه در فعالیت‌های اطلاعاتی امنیتی بودند؛ اما نخست‌وزیری بیشتر در آن بخش ضدجاسوسی یا خارجی کار می‌کرد. پس ما چند نهاد اطلاعاتی داشتیم که عمده‌ترینش سپاه، نخست‌وزیری، کمیته‌ها و بعدش هم دادستانی بودند. این‌ها مجموعه اطلاعاتی ما بودند. سال ۶۳ این‌ها با هم ترکیب شدند.

\* تمام نیروهای این مجموعه آمدند وزارت و وزارت اطلاعات را تشکیل دادند و نیروهایی که در اطلاعات بودند، معمولاً نیروهای

یک مقدار باهوش، با فراست بیشتر و با ضریب هوشی بیشتر بودند، چون آنجا بیشتر قوه عاقله است که کار می‌کند؛ قوه محاسبه، پیش‌بینی و طراحی‌های جسورانه که شما در میدان و چهارراه گنج باید هوشمندانه یک نقطه را انتخاب کنید. آن قدر درست نقطه‌ها را انتخاب کنی که ۹۰ درصد نزدیک هدف باشد. این هوش، ظرافت و فراست می‌خواهد و معمولاً نیروهای اطلاعات همه جای دنیا نیروهایی هستند ماجراجو، بلندپرواز و با روحیات خاص و باهوش. در اینجا واقعاً وزارت اطلاعات از این مجموعه‌ها تشکیل شده بود و بسیار وفادار و پای همه چیز انقلاب بودند؛ هیچ کم‌وکاستی نداشتند.

\* اگر سپاه با جانفشانی‌اش در جبهه عمل می‌کرد، نیروهای اطلاعات سپاه در مقابله با منافقین و گروه‌های برانداز پایه‌ها در همان جبهه بودند. حالا همان‌ها آمدند در وزارت اطلاعات به همراه نیروهای دیگر آن‌ها وزارت اطلاعات را تشکیل دادند که خود من سال ۶۶ به وزارت اطلاعات ملحق شدم.

\* من جزء نیروهای وزارت یا حتی نیروهای اطلاعاتی قبل از وزارت هم نبودم؛ من کادر قضائی و قاضی و دادستان بودم و گفتم که وقتی از دادستانی خراسان کنار گذاشته شدم، چند ماه کاری نداشتم پس از آن از سوی آقای ری‌شهری دعوت شدم و آمدم وزارت اطلاعات.

\* من ۱۲، ۱۳ سال در وزارت اطلاعات کار کردم، سه سال هم نبودم، حدود ۱۶ سال می‌شود. به نظر من، یک وزارت توانمند مشرف بر فعالیت‌ها و تأثیرگذار در فضای داخلی و فضای بیرونی بودیم و البته تیپ‌های مختلف بودیم.

\* ما تندترین نیروهای چپ را که جزء سران نیروهای اصلاح‌طلب بودند، در وزارت اطلاعات داشتیم و طیف مقابل شدیداً موضع‌دار ۱۸۰ درجه‌ای این‌ها در وزارت اطلاعات بودند. تعبیری بود در وزارت اطلاعات که هفت‌خط‌ها اینجا جمع هستند؛ تعبیر شماتیکی بود، هم همه خطوط و هم معنی هفت‌خط به معنی رایج عامیانه مردمی‌اش.

\* با همه این موضع‌گیری‌ها که حتی در وزارت هم این نظرات ابراز می‌شد، این‌طور هم نبود که پنهان‌کاری بکنند؛ یعنی این مواضع روشن بود، بچه‌های لانه جاسوسی که لانه را گرفته بودند، در اطلاعات نخست‌وزیری بودند و همه به وزارت آمدند؛ یعنی با گرایش‌هایی که داشتند، رئوس اصلاح‌طلبان، مشارکت و مجاهدین انقلاب و این‌ها را تشکیل می‌دادند.

\* [در پاسخ به این پرسش که آیا عالیخانی و خسرو تهرانی هم از همین تیپ بودند]: آقای خسرو تهرانی نخست‌وزیری بود اما آقای عالیخانی از بچه‌های سپاه بود.

\* در بحث قتل‌های زنجیره‌ای که شما بحث خاصان خودسر بودن بود، نه آن بخش وزارت اطلاعات هیچ خودسر نبودند. شاید مدیرانش یک سری تصمیمات بد می‌گرفتند، ما داشتیم جاهایی که خود من موضع و انتقاد داشتم که بیخود کردید این تصمیم را گرفتید.

\* در یک بخشی بود در گپ‌های مباحثاتی با دوستانمان صحبت می‌کردیم، می‌گفتم که این سیاست را قبول ندارم، نباید این‌جور باشید، اما این‌جور نبود که از دست رها باشد؛ حتی این داستان قتل‌های زنجیره‌ای در سیستم اتفاق افتاد، جانشین امنیت، یعنی معاونت امنیت، جانشینش مدیر این پروژه بود که گرایش چپ داشتند؛ یعنی جایی نبود که پنج نفر خودسرانه آمده باشند دست به این کار زده باشند.

\* این‌ها برای خودشان تحلیلی داشتند و فکر می‌کردند طبق آن تحلیل باید به نظام خدمت کنند و اصلاح‌طلبان را از ورطه خطرناکی که در آن خواهند افتاد، نجات دهند؛ تحلیلمان هم این بود که ضدانقلاب دارد به اصلاح‌طلب‌ها می‌چسبد و ما ناچاریم دوباره حوادث سال ۶۰ و جنگ‌های خیابانی را تکرار و تجربه کنیم.

\* این‌ها گفتند ما عملیات پیش‌دستانه انجام بدهیم تا این اتفاقات نیفتد و اتفاقاً مدیران اصلی این تصمیم‌گیری چپ داشتند؛ یعنی نسبت به آقای خاتمی که رئیس‌جمهور شده بود، نظر مثبت داشتند و طرفدار آقای خاتمی بودند.

\* [در پاسخ به اینکه آیا مدیر پروژه قتل‌ها سعید امامی نبود]: اینکه مشخص بود آن‌هایی که دستگیر شدند و اعتراف کردند، گفتند که آقای سعید امامی، مشاور وزیر بود و نهایتاً به‌عنوان مشاور از ایشان استفاده کرده بودند. مدیر پروژه که نبود، مدیر تصمیم‌گیری نبود، نه مقام تصمیم‌گیری داشت، نه مقام طراحی و اجرا داشت، حداکثر با ایشان مشورت کردند که ما از ایشان سؤال کردیم، گفت نه، من در این کار نبودم، تا آخرین لحظه هم حرفش این بود که من نبودم.

\* به آن آقایان که می‌گفتم تعبیری که می‌کردند، می‌گفتند ما اجازه هم داریم که هرچه تلاش کردیم ما اجازه‌ای ندیدیم، ولی تلقی و نظر خودشان این بود که ما رفتیم و اجازه هم داریم و از این حرف‌ها، ما گفتیم کیست و بعد هم چنین چیزی ثابت نشد که توانستند اجازه بگیرند.

\* اینکه فکر کنیم جماعتی همین‌جوری خودسر آمدند و انجام دادند به این شکل که نبود، این‌ها تحلیل داشتند، حالا اینکه در این تحلیل این‌ها نفوذی وجود دارد، این هم ثابت نشد، ما که نمی‌توانیم صرفاً روی تحلیلمان کار کنیم، آدم‌های موجودند، محاکمه شدند، زندان رفتند، همه‌شان تحمل حبس طولانی کردند، این‌ها که موجودند، بعد هم اینکه وزارت، کار کردند.

\* هیچ ردی که مشخصاً القای مستقیم باشد، نبود. شاید برخی فضا‌سازی‌ها تأثیر غیرمستقیم روی تصمیم‌گیری‌ها بگذارد. بعید نیست؛ الان هم یکی از شگردهای قوی دستگاه اطلاعاتی این است که فضا را جوری طراحی می‌کنند که آدم‌ها بر اساس آن

طراحی به تصمیماتی می‌رسند.

\* القای غیرمستقیم می‌تواند چنین چیزهایی باشد، ولی اینکه مستقیماً طبق ادعایی که برخی از این آقایان کردند؛ یعنی شبکه جاسوسی و نفوذ و این‌ها، هیچ کدامشان ثابت نشد و این حادثه هم اتفاق افتاد.

\* از این جهت می‌توان گفت وزارت اطلاعات مجموعه گسترده‌ای با احساس مسئولیت و فداکاری، جان‌نثاری و پای‌کار بودن است و البته محیط‌های قدرت پنهان محیط‌های خطرناکی است، محیط‌های اشتباه‌خیزی است، محیط‌هایی است که اگر کنترل نشود، مشکل‌ساز خواهد شد.

\* از این جهت هم اول انقلاب؛ چه حضرت امام(ره) و چه مقام معظم رهبری نسبت به نظارت بر فعالیت‌های وزارت حساسیت داشته‌اند و این حساسیت کاملاً هم درست است. از همان اول تا به امروز حفاظت وزارت اطلاعات جزء سختگیرترین، جدی‌ترین و باسواس‌ترین حفاظت‌های دستگاه‌های ماست.

\* مردم می‌گویند حفاظت‌ها و حراست‌های دستگاه‌های بیرون سختگیری می‌کنند، ندیدند حفاظت وزارت اطلاعات را که چگونه عمل می‌کند، هیچ پروا ندارد و مراعات هیچ کس را نمی‌کند، خیلی جدی و خشن است و مراقبت شدید وجود دارد؛ یعنی کنترل‌هایی که هیچ مجاز نیست افراد بیرون بشوند، تمام نیروهای اطلاعاتی و خانواده‌هایشان تحت کنترل شدید هستند که لازمه‌اش هم هست، نمی‌شود که دستگاه اطلاعاتی رها شود. آنجا کانون قدرت پنهان است و حتماً باید مراقبت‌های شدید نسبت به آنها اعمال شود.

برچسب ها: [وزارت اطلاعات](#) [1]

[تاریخ](#) [2]